

بقلم استاد مرحوم عباس اقبال

تاریخ طب در ایران

یکی از نفایس کتب شرقشناسی که درین اواخر انتشار یافته کتاب
A Medical History of Persia and the Eastern Caliphate
تألیف Cyril Elgood طبیب انگلیسی است که در سال ۱۹۵۱ در کمبریج
(انگلستان) انتشار یافته است. مؤلف در این کتاب مستند ششصد صفحه‌ای
باتجسس و تحقیق تاریخ طب ایران و سرزمین های خلافت شرقی را بیان
کرده است.

مرحوم عباس اقبال دانشمند فقید عصر اخیر ترجمه کتاب مذکور
را وجهی همت بلند خویش قرار داده بوده و در اواخر حیات توفیق یافت
که جزء مختصری از آغاز کتاب را ترجمه کند و این قسمت عبارت است
از مقدمه و سه فصل از کتاب (فصل سوم تماماً ترجمه نشده) که جمعاً تا
صفحه ۶۳ از کتاب را در بر دارد.

چون ضبط آثار مرحوم اقبال بسبب نثر فصیح و شیوه دقیق تحقیق
واجب است مناسب دید که همین قسمت از ترجمه کتاب مذکور را که
از قلم مرحوم عباس اقبال باز مانده است خدمت حبیب یغمائی مدیر آزاده
و گرامی یغما که به آثار مرحوم اقبال علاقه وافر دارند و نشر آنرا قطعاً
برای خوانندگان یغما و محققان مفید میدانند، تقدیم کند.

از اولیای کتابخانه مرکزی دانشگاه نیز باید سیاستگراز بود که
اجازت نشر این مقاله را داده اند.

ایرج افشار

چنین بنظر میرسد که در میان ممالک اروپا و آسیا و آفریقا هیچیک باندازه ایران نظر اهل
تحقیق را بخود جلب نکرده باشد.

راجع باین مملکت تا کنون هم سفرنامه هائی که فهم آنها آسان است انتشار یافته و بطبع
رسیده و هم کتب فنی مشکل درباب مسائلی که مبهم مانده بوده اما تا امروز کسی بنوشتن تاریخ کامل
طب در این کشور که قسمتی از خاورمیانه محسوب میشود و ما سابقاً بآن Persia می‌گفتیم دست نزده
است در صورتیکه طب ایران هم مانند ادبیات و نقاشی آن در خارج تأثیر و اهمیتی فراوان داشته حتی
بعقیده من دخالت و نفوذ آن در سایر ممالک از تأثیر ادبیات و نقاشی آن بیشتر و مهمتر بوده و مقام
آن در تاریخ طب عالم از مقام ادبیات و نقاشی ایران در تاریخ ادبیات و نقاشی عمومی جلیل تر است.

باوجود این چنین نیست که تحقیق در این موضوع بهیچوجه مورد توجه قرار نگرفته باشد
بلکه در این رشته هم مانند سایر موضوعات راجع بشرق و اموری که بهمین پایه از اهمیت بوده‌اند
همچنانکه پرفسور براون چند سال قبل یاد آور شده سابقاً بعمل آمده است و یک‌عده از مستشرقینی
که با زبان و ادبیات عربی سروکار داشته‌اند بتتبع احوال چند تن از اطباء ایرانی که تألیفاتشان بعبری

است پرداخته و باین موضوع توجه کرده‌اند. راست است که این عده بزرگترین پزشکان و شاخص‌ترین افراد در تاریخ طب این مملکت هستند اما با وجود این اهمیت مقام تقریباً همه در يك عصر و زمان میزیستند و جمله نماینده يك درره کوتاه از مدت طولانی تاریخ طب ایران هستند مثلاً هیچکس باحوال اطبای بعد که کتب خود را بفارسی نگاشته‌اند توجهی نکرده چنانکه يك عده از اهل تتبع در تمدن اسلامی در عصر ما با اینکه تاریخ طب عربی و ایرانی را در عصر خلفای بغداد مورد تحقیق قرار داده تاریخ آنرا قبل از ظهور اسلام و بعد از استیلای مغول بکلی از نظر دور داشته‌اند. در این کتاب من که خیال میکنم اول کسی باشم که در این زمینه بکر قدم برمیدارم جهد میورزم که از اقدم ازمنه نازمان حال تاریخ طب علمی و عملی را در ایران و ممالک مجاور آن را مرتباً بدست بدهم و مقام تاریخی دانشمندان مشهور و اهمیت حقیقی ایشانرا بنمایانم.

طب اسلامی با اینکه فقط در يك دوره باوج ترقی خود رسیده باز چنین بنظر میرسد که در ایران و عراق از زمانی که ابتدای آنرا ما درست نمیدانیم تا يك نسل پیش همواره بطرف تکامل پیش میرفته اما همینکه ایران بکسب تمدن جدید پرداخته و باصلاح اروپائی شده نفوذ معارف غربی در این مملکت بکلی بنیان این علم قدیمی را ویران ساخته و تیشه بریشه آن زده است. درك این نکته که چرا طب ایران در اعصار قبل از اسلام کمتر توجه شده بسیار آسان است. خواندن زبان پهلوی یا زبانهای قدیم دیگر ایران برای کمتر کسی میسر میشده همچنین از کتب علمی آن ایام بسیار کم نسخه‌ای بجامانده بوده و شاید کسانی که میتواسته‌اند آن کتب را بخوانند آنقدر معلومات طبی نداشته‌اند که قادر بترجمه صحیح آنها باشند، حتی من تصور میکنم که در موفیکه زبان عربی زبان رسمی عموم مسلمین گردید کلیه این زبانهای قدیم که پیش از هجوم عرب در خاورمیانه شیوع داشته بکلی از میان رفته بوده است.

ماخذ من درباب کلیه مسائل مربوط طب در این دوره‌ها کتب یونانی و ترجمه‌ها و تفسیرهایی است که از کتب دینی پارسیان بدست ما رسیده بعلاوه دو تألیف از کتب جدید هم راجع طب قدیم ایران متضمن مقداری اطلاعاتند یکی «تمدن زردشتی» تألیف مانکچی دالا^۱ دیگر «ایران در زمان ساسانیان» تألیف کریستن سن^۲ از این دو کتاب من البته مطالب را طبق النعل بالنعل بر نداشته‌ام بلکه هرچه را لازم شمرده آزادانه نقل مطلب کرده‌ام.

اطلاعات مورخ معروف انگلیسی کین^۳ را نیز در این مورد نباید بهیچوجه حقیر شمرد و من در بیان تاریخ طب در عصر ساسانیان از لحاظ علمی صرف بنای کار خود را تا حدی بر معلوماتی که در کتاب مشهور خود بعنوان انحطاط و سقوط امپراطوری روم شرقی بدست داده نهاده‌ام.

با استیلای عرب زبان عربی زبان عموم اهل علم گردید و فارسی را فقط مقارن اوایل دوره خلفای عباسی یعنی در حدود اوایل قرن دوازدهم میلادی (نیمه قرن ششم هجری) دانشمندان ایران بعنوان زبان علم بکار بردند.

کسی که بخواهد تاریخ طب را در خاورمیانه از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی (از نیمه قرن

۱ - Zoroastrian Civilization تألیف Monckji Dhalla چاپ نیویورک در سال ۱۹۲۲

۲ - L'Iran sous les Sassanides تألیف Christensen چاپ کین هاگن.

در سال ۱۹۲۶

۳ - Declin and aud Foll of Roman Empire by Gilebon

ششم تا نهمه قرن هفتم هجری) بنویسد میتواند از کتب عربی که در آن ایام بنگارش در آمده معلومات بسیار بدست آورد. مهمترین این مآخذ سه کتاب است حاوی ترجمه احوال اطبا بقلم ابن ابی اصیبه و قفطی و ابن العبری که هر سه را بوضع جدیدی بچاپ رسانیده اند^۱.

اساس کار تحقیق من در خصوص طب ایران در عصر خلفا این سه کتاب است. دانستن زبان سریانی برای تتبع این موضوع در عصر پنج شش نفر از خلفای اولیه عباسی نیز لازم است اما چون من این زبان را نمیدانم ایفای این وظیفه را بعهده دیگران میگذارم. قسمتی که بیش از همه مورد عنایت محققین جدید قرار گرفته تاریخ طب در دوره خلفا یعنی قسمتی است که آثار عمده آن بزبان عربی نوشته شده.

مهمترین کتب جدیدی که در این زمینه من بآنها مراجعه کرده ام یکی تاریخ ذیقیمت طب اسلامی است تألیف لنگر^۲ در دو جلد که متأسفانه از فهرست خالی است دیگر فهرست منابع طب ایرانی تألیف فنان^۳ که کتابی عالی است ولی امروز قدردی کهنه شده و بتجدید نظر احتیاج دارد، دیگر نوشته های متعدد پرفسور براون^۴ در این خصوص.

البته کسان دیگری هم مانند ووستنفلد Wusteufteld و دانشمند معروف و غیرهم نیز هستند که باید اسامی ایشانرا ببرم ولی اگر بخوام همه را یاد کنم سخن بدرازا میکشد. فنان سی سال پیش ۱۵۱ کتاب را که موضوع آنها همین مطلب است در کتاب خود یاد کرده و این عدد حالا فوق العاده بیشتر شده است.

از کسانی که عمر خود را وقف تحقیق طب در ایام خلفای بغداد کرده و سرآمد همه و در میان امثال خود بیمانند بوده مأسوف علیه د کتر ما کس میرهف Dr. max Meyerhof است که در قاهره اقامت داشته.

در این کتاب من بقدری از کتب او نقل کرده ام که برای من اظهار سیاسیگری از او در همه موارد غیر مقدور بوده است. نه تنها من از انتشارات او استفاده نموده ام بلکه او با ارسال نامه هایی که در جواب مشکلات من فرستاده نیز کمک های ذیقیمت بمن کرده است. هر وقت مشکلی داشتم باو مینوشتم و هیچوقت نبود که او اطلاعاتی را که میخواستم بلا جواب بگذارد. اگر چه ممکنست که من در این کتاب از او اطلاعاتی را بغارت برده و بعضی از افکار او را بخود نسبت داده باشم اما این از آن سبب بوده است که او چنان مطلب را دقیق و صریح تقریر کرده که من از مثل آن عاجز بودم و از شدت اعجاب و در مقام ستایش او این عمل از من سرزده است.

۱ - یعنی عیون الانباء فی طبقات الاطباء چاپ قاهره ۱۸۸۲- و تاریخ الحکماء چاپ لیپرت Lippert (لایپزیش Leipzig سال ۱۹۰۳ میلادی) و مختصر الدول چاپ پکوک Pock (اکسفرد Oxford سال ۱۶۶۳).

۲ - Histoire de la Medecine Arabe تألیف Leclerc (پاریس سال ۱۸۷۶)

۳ - Zur Quellenkunde des Persinelen Medezin (لایپزیش سال ۱۹۱۰)

۴ - از جمله ترجمه انگلیسی چهار مقاله عروسی بقام پرفسور براون (جزء سلسله انتشارات کیب (لندن سال ۲۹۲۱) و Arabian Medicine (کیمبرج سال ۱۹۲۱)

۴ - Geschichte der Ar. Aergte - تألیف Wusteufteld (۱۸۴۰)

۵ - Zentr. to the Hist. of Medieiu (لندن ۱۹۱۷)

۵ - Arabrar Medecine تألیف Cowpobcll (لندن ۱۹۲۶).

بعد از افتادن بغداد بدست مغول در نیمه قرن سیزدهم میلادی (۶۵۶ . هـ) طب اسلامی بیش از پیش صیغه ابرامی گرفت و مآخذ آن تقریباً بکلی فارسی شد .

اطلاعات لکلمر در این زمینه قابل اطمینان نیست ، برفسور هم زیاد داخل در این بحث نشده چنانکه میرهف نیز چیزی در این خصوص منتشر نکرده . تنها فنان است که بمحقق این باب کمک میکند و میتواند رهنما و دستگیر او باشد .

از کتب فارسی جدید یکی که من از آن استفاده بسیار کرده ام مطرح الانظار است تألیف فیلسوف الدوله (چاپ تبریز ۱۹۱۶ میلادی) که ظاهراً فقط جلد اول آن بچاپ رسیده ، امیدوارم در این فاصله زیادی که از تاریخ نشر جلد اول آن تا کنون میگذرد سایر مجلدات آن هم بطبع درآمده باشد .

دوست قدیم من شاهزاده اسان الحکما بمن گفته بود که او نیز کتابی در تاریخ طب نوشته ولی وقتی که من آنرا از او خواستم گفت که هنوز خیلی وقت لازم است تا تمام شود .

موقعیکه شرکت هند شرقی در خلیج فارس مستقر گردید دارالتجاره آن مرتباً وقایع ایران را روز بروز یاد داشت کرده و این روزنامه که در همان ایام نگارش یافته یکی از مهمترین مآخذ اطلاعات ما راجع بآن ادوار است . این روزنامه در لندن در اداره هند indior Office در ۱۳۱۱ مجلد محفوظ است . دکتر لاکهارت Dr. Lakhart بمن گفت که در موقع نوشتن کتاب تازه خود راجع بزنگانی نادرشاه نظیر همین روزنامه را در پاریس مورد استفاده قرار داده و آن شرح وقایع روزانه است که تجار فرانسوی در همان ایام نوشته و آن مطالبی را راجع بتاریخ طب و اطبا در ایران محتوی است ولی من متأسفم که این روزنامه فرانسوی را نتوانستم مورد مطالعه قرار دهم .

راجع بتاریخ طب در ایران در ظرف این پنجاه سال اخیر معلومات من مبنی بر اطلاعاتی است که از وزارت خارجه انگلیس در لندن و از دوستانم در ایران گرفته ام و در این مورد بیش از همه از کمکهایی که مرحوم سراستن کیسلی Sir Stephen Gaselee بمن کرده نهایت درجه امتنان را دارم . همچنین از انجمن مبلغین کلیسا Chureh Missionary Society که منشی آن کلیه اطلاعات مربوط بامورین طبی در ایران را باختیار من گذاشته سپاسگزارم .

س ۱۰ - ۱۹۴۸

پرتال جامع علوم انسانی

۱ - در آخر این مقدمه مؤلف شرحی در باب وضع نوشتن املاهای عربی و فارسی بخط لایینی نوشته که فقط بدر اروپائیان میخورد بهمین جهت ما از ترجمه آن خود داری کردیم . (ع . ۱)